

تقلب

نگاه‌های متفاوت معلمان

شکوفه راستگو جهرمی، ناحیه ۱ شیراز

عکاس: علیرضا دهداری

پدیده تقلب یا فریبکاری از دیرباز به‌عنوان یکی از عوامل تهدیدکننده یادگیری گریبانگیر نظام‌های آموزشی دنیا بوده است.

تقلب در همه زمان‌ها و فرهنگ‌ها رفتاری نادرست و مطرود محسوب می‌شود زیرا این کار در واقع تخلف از هنجارهاست. سؤال این است که چه شده است که پاره‌ای از دانش‌آموزان هنجارشکنی خود را با لبخند و تفاخر اعلان می‌کنند؟ چرا گاهی شاهدیم دانش‌آموزی با غرور از فریب دادن معلم و کسب نمره بدون مطالعه و یادگیری درس مربوط به آن صحبت می‌کند؟

چرا در دوره بزرگ‌سالی تعریف پرآب‌وتاب شخص از روش‌های تقلب خود در دوران دانش‌آموزی ناخودآگاه لبخند بر لب شنونده‌ها می‌نشانند و نه تنها مایه شرمندگی او نیست بلکه گاهی مایه کسب اعتبار وی بین دوستان و رفقا نیز می‌شود؟ اگر هدف آموزش و پرورش را تربیت شهروندانی دارای کرامت و عزت‌نفس، صداقت و مسئولیت‌پذیری (فصل ۷- سند ملی) بدانیم، آشنایی دانش‌آموزان با این پدیده در مدارس و استفاده از آن در واقع مغایر با اهداف ماست.

اگر معتقد باشیم که دروس آموخته شده واقعا چیزی به ما اضافه می‌کند قطعا نیاموختن آن بزرگ‌ترین مجازات است. بیا باید صادقانه به این پرسش پاسخ دهیم که آیا اولیای مدرسه و خانه و حتی خود دانش‌آموز بیشتر نگران نیاموختن درس‌ها هستند یا عدم کسب نمره عالی؟

سؤالات بالا و انبوه دیگری از سؤالات ما را بر آن داشت که به‌سراغ تعدادی از دغدغه‌مندان آموزش و پرورش در استان فارس برویم. جلسات متعددی در شهر شیراز و شهرستان کازرون برای هم‌اندیشی و مشورت در مورد این پدیده با معلمان دوره‌های مختلف، مدیران، مشاوران تربیتی و... برگزار شد. چکیده گزارش این جلسات تقدیم می‌شود.

در این جلسات حاضرین بر شرایط مؤثر بر ایجاد پدیده تقلب (شرایط اجتماعی، آموزشی و خانوادگی) و راه‌های پیشگیری و برخورد با آن صحبت کردند. خانم **نجاتی** معلم کلاس اول ابتدایی می‌گوید: «در دوره ابتدایی، در معضل تقلب، مقصر اصلی را همکاران خودم می‌بینم. پس از تغییر سیستم ارزشیابی به جای اینکه بگوییم «تو این‌ها را نمی‌دانی» می‌گوییم «تو نادانسته‌هایت را به من نشان بده تا من تو را راهنمایی کنم». اگر معلم واقعا ارزشیابی را در خدمت بهبود یادگیری به کار گیرد؛ قطعاً دانش‌آموز نه تنها تقلب نخواهد کرد بلکه درصد نشان دادن ضعف‌های یادگیری خود خواهد بود و با آرامش همگام با معلم در پی رفع آن می‌کوشد.»

کنجکاوی دانش‌آموزی

خانم **شهیدزاده** مدیریکی از دبستان‌های شهرستان کازرون می‌گوید: «در سال‌های اول دوره ابتدایی عموماً دانش‌آموز شناختی از مفهوم تقلب ندارد، بلکه از روی کنجکاوی روی دست دوستش نگاه می‌کند تا ببیند او چه نوشته است. بنابراین ما در این مورد هیچ‌گاه از لفظ تقلب استفاده نمی‌کنیم. بلکه محیط را طوری طراحی می‌کنیم که امکان تقلب وجود نداشته باشد.» یکی دیگر از معلمان حاضر ادامه می‌دهد «مهم‌ترین عامل در از بین بردن بستر ایجاد تقلب طراحی سؤال

خوب است. سؤال خوب باید تفکرمحور باشد. حفظی و کوتاه پاسخ نباشد. بهتر است امتحان به صورت گروهی برگزار شود و سؤالات متناسب با توانایی‌های دانش‌آموزان و در سطوح مختلف باشد. حتی الامکان سؤالات در دو یا چند تیپ یا چیدمان متفاوت تکثیر شود. سؤالات واضح و روان و خوانا باشد... باید قبل از شروع امتحان آرامش را به دانش‌آموزان هدیه کنیم و با چند جمله به آن‌ها یادآوری کنیم که آزمون هم یکی از مراحل یادگیری است و بگوییم ما در کنار شما هستیم نه در مقابل شما و هیچ‌گونه بی‌اعتمادی میان ما و شما وجود ندارد.»

خانم پرسش، معلم ششم ابتدایی شهرستان کازرون می‌گوید: «در سال‌های اخیر متأسفانه میزان تقلب در بین بچه‌ها بالا رفته است، به‌ویژه در سال‌های پنجم و ششم؛ و این به دلیل آزمون‌های ورودی مدارس خاص است که بچه‌ها تحت فشار والدین خود برای کسب نمرات بالاتر قرار می‌گیرند. مواردی مثل بی‌اعتمادی نسبت به دانسته‌های خود، تشویق اطرافیان و برداشت از تقلب به‌عنوان زرنگی، اضطراب، دلسوزی و ترحم نسبت به هم‌کلاسی یا حتی زورگویی مواردی هستند که در دوره ابتدایی باعث ایجاد تقلب می‌شود. اما باید به‌خاطر داشت که معلم باید مریی باشد نه نگهبان»

خانم شیخ‌الاسلامی، معلم دوره ابتدایی خاطره جالبی در این رابطه تعریف می‌کند: «سه ماه از سال

تحصیلی گذشته بود و من معلم کلاس اول ابتدایی بودم. یک روز یکی از دانش‌آموزانم پرسید خانم! چه موقع به ما تقلب یاد می‌دهید؟ برادرم گفته تو مدرسه یاد می‌گیری. خیلی لذت داره.»

روح ناآرام دانش‌آموز

آقای محمدی، دبیر ادبیات می‌گوید: «تقلب در لغت به معنای دگرگونه نمودن و یا فریب و حيله و تزویر است... تقلب در معنای واقعی در بدنه آموزش چه معنایی دارد؟ و آیا در آموزش فقط دانش‌آموز تقلب می‌کند؟ و اساساً آیا تقلب به همین نگاه کردن به ورقه یا مطالب دیگر دانش‌آموزان در امتحان ختم می‌شود؟

اینکه فکر کنیم تقلب یک ابزار قبولی است به احتمال زیاد خیلی عمیق نیست، زیرا دانش‌آموزان در وضعیت کنونی دیگر نیازی به تقلب برای قبولی ندارند، زیرا بدون تقلب هم قبولند. پس ریشه تقلب می‌تواند بسیار عمیق‌تر باشد. سیستم آموزش می‌گوید من دانش‌آموز امروزی را به علوم مختلف و رشته‌های مختلف مجهز خواهم کرد. در حالی که همان روش‌های تدریس سابق را اعمال و اجرا می‌کند. بنابراین معلم‌ها آن گونه که باید ورزیده نمی‌شوند و همان نگرش قدیمی را دارند و این یعنی تقلب! بنابراین به پدیده تقلب به‌عنوان یک جرم نگاه نکنیم بلکه به‌عنوان یک مسکن روحی برای برخی از دانش‌آموزان نگاه کنیم که با بدترین روش‌ها دنبال آرام کردن روح ناآرام و ماجراجوی خود هستند. چطور

پرسش:
مواردی مثل بی‌اعتمادی نسبت به دانسته‌های خود، تشویق اطرافیان و برداشت از تقلب به‌عنوان زرنگی، اضطراب، دلسوزی و ترحم نسبت به هم‌کلاسی یا حتی زورگویی مواردی هستند که در دوره ابتدایی باعث ایجاد تقلب می‌شود



محمدی: به پدیده تقلب به عنوان یک جرم نگاه نکنیم بلکه به عنوان یک مسکن روحی برای برخی از دانش آموزان نگاه کنیم که با بدترین روش‌ها دنبال آرام کردن روح ناآرام و ماجراجوی خود هستند

می‌توان دانش‌آموزی که در خارج از مدرسه هری پاتر می‌بیند، فرار از زندان می‌بیند، مرد طناب‌باز می‌بیند و... انتظار داشته باشیم که ندای سمعا و طاعتا سر دهد و فضای گسترده درون را در قفس فضای لوذ و زندان آموزشی خموش سازد؟ پس در شرایط فعلی به نظر می‌رسد بهتر است از این نقطه ضعف نقطه قوت بسازیم. پدیده‌های مثل «به‌اشتراک‌گذاری معلومات در ارزشیابی‌ها» را تعریف کنیم و دانش‌آموزانی را که معلومات بیشتری را به اشتراک می‌گذارند مورد تشویق و تأیید بیشتری قرار بدهیم. بدیهی است که این امر بایستی در یک قامت زیبا انجام شود. بیاییم ارزشیابی را که اینک خود مانع واقعی آموزش شده است در جریان آموزش غوطه‌ور سازیم. ارزشیابی‌ها را به سمت تحلیلی پیش ببریم، امتحانات «کتاب‌باز» را رواج دهیم، خودارزشیابی‌ها را ترویج دهیم طوری که دانش‌آموز خود مصحح پاسخ‌هایش باشد، و با روش‌های دیگر از نمره‌اش دفاع نماید.»

خانم میری، مدیر هنرستان می‌گوید: «من به تقلب نگاه مثبت دارم و فکر می‌کنم که گاهی نشانه خلاقیت دانش‌آموز است. در دوره متوسطه دوم عامل اصلی تقلب نیاز است. نیاز به نمره و قبولی باعث انجام تقلب است. باید بچه‌هایی را که تقلب می‌کنند شناسایی کنیم و به آن‌ها روش حل مسئله را آموزش دهیم. برای این کار حضور یک روانشناس بالینی در مدرسه ضروری است.»

آقای زحمتکش، دبیر زبان می‌گوید:

«تقلب نتیجه نمره‌محوری به جای توجه به مهارت‌هاست و البته گاهی هم حاصل بی‌تدبیری دبیر. اقتدار معلم به جای قدرت او می‌تواند در کلاس‌داری به او کمک کند.»

ضرورت تغییر نظام ارزشیابی

خانم مرعشی، دبیر شیمی و کارشناس تکنولوژی آموزشی می‌گوید: «یکی از راهکارهای حل این ماجرا استفاده بیشتر از روش‌های تیمی در ارزشیابی است. بازی‌های آموزشی یکی از روش‌های خوب در این زمینه است. من در آموزش فرمول‌نویسی و نام‌گذاری در درس شیمی بازی‌هایی ابداع کرده‌ام که می‌توان با استفاده از علاقه دانش‌آموز و سوق دادن آن‌ها به سمت اهداف آموزشی کمک شایانی به پیشرفت تحصیلی آن‌ها کرد. در این روش‌ها شور و هیجان به کمک یادگیری می‌آید و اصلاً زمینه‌ای برای تقلب وجود ندارد.»

آقای صالح‌پور، معاون دبیرستان سمپاد می‌گوید: «پیازه گفته است اگر زمینه‌های دروغ‌گویی را در کودک ایجاد نکنیم، کودک نیاز به دروغ‌گویی پیدا نمی‌کند. به نظر من برای از بین بردن زمینه تقلب باید نظام صلاحیت‌ها را ارزیابی کرد. آیا نظام یادگیری و یاددهی موجود صلاحیت لازم را دارد؟ در همین دوره‌های ضمن خدمت معلمان که اخیراً آن را به نظام معیشتی متصل کرده‌ایم آیا درست عمل شده است؟ نظام تشویقی را در نظر بگیرید؛ آیا منصفانه عمل می‌کند؟ متأسفانه به

جای تأکید بر فرآیندمحوری بر روی محصول‌محوری تمرکز کرده‌ایم. همه اینها مسائلی است که از عوامل مؤثر بر شیوع تقلبند.»

خانم جاودان، دبیر ریاضی می‌گوید: «هنگام برخورد با موضوع تقلب من همیشه به یاد این جمله خالد حسینی در کتاب «بادبادک‌باز» می‌افتم که می‌گوید: «کسی که تقلب می‌کند عدالت را دزدیده است». معمولاً اگر کسی مال ما را دزدید با او حتماً به شکل قانونی برخورد می‌کنیم پس اگر کسی هم عدالت را می‌دزدد بدون شک باید با او برخورد کرد. البته طبیعی است که نوع برخورد از جنسی متفاوت و از نوع تربیتی و پرورشی است. من باید در طول زمان به دانش‌آموزم یاد بدهم که او به عنوان یک انسان با ارزش است و عزت نفس را در وجودش زنده نگه دارم تا هیچ‌گاه جایگاه خود را در این حد تنزل ندهد.»

در پاسخ به ایشان یکی از حاضران گفت: «بچه‌ها معمولاً در توجیه عمل خود می‌گویند متقلب و گیرنده تقلب هر دو با رضایت کامل این کار را انجام داده‌اند بنابراین حقی ضایع نشده‌است.» یکی دیگر از معلمان پاسخ داد پس حق بقیه بچه‌هایی که تقلب نکرده‌اند چه می‌شود؟

همان‌طور که حاضران یکی یکی، از جنبه‌های مختلف، تقلب را بررسی می‌کردند یکی گفت: «دوست دارم مطلبی را مطرح کنم اما نمی‌دانم اصلاً بگویم یا نه؟ گفتنش باعث شرمندگی‌ست اما چگونه می‌توان از برخی کسانی که خود به نادرست بودن تقلب ایمان ندارند بخواهیم که دانش‌آموزانی تربیت کنند که اهل تقلب نباشند؟» مهمه‌ای در گرفت. همه از آزمون‌های ضمن خدمت و اتفاقات آن خاطراتی داشتند که حرف دوستان را تأیید می‌کرد. در این حین یادداشتی برای گوینده این مطلب رسید که آن را با صدای بلند برای همه خواند: «اگر تقلب در خدمت یادگیری باشد چطور؟»

دوست دیگری پاسخ داد: «اصل این سؤال نشان می‌دهد که ارزشیابی و انواع روش‌های آن در سیستم آموزشی





ما به شدت مهجور واقع شده است. شاید معلمان ما در تدریس از انواع روش‌های خلاقانه استفاده کنند اما در بحث ارزشیابی معمولاً تعداد مسیرهای محدودی را می‌شناسند و بعضی روش‌های خلاقانه را تقلب می‌نامند».

روش‌های نوین ارزشیابی

در اینجا دوستان شروع کردند به بیان روش‌های متنوعی که در ارزشیابی به کار می‌برند.

خانم رفیعی روش جالبی داشت و گفت: «درس ما ماهیت حفظی زیادی دارد که فراموش کردن بعضی قسمت‌ها زیاد اتفاق می‌افتد. من گاهی ۵۰ سؤال به دانش‌آموز می‌دهم و از او می‌خواهم که از بین آن‌ها ۲۰ سؤال انتخاب کند و پاسخ دهد. در هنگام پاسخ‌گویی اجازه دارد از کتاب هم استفاده کند. اما وقت امتحان محدود است و فقط دانش‌آموزی قادر به پاسخ‌گویی به بیست سؤال خواهد بود که تسلط لازم را بر کتاب درسی داشته باشد.»

خانم هاشمی، دبیر شیمی هم روش خوبی داشت: «من گاهی سر جلسه امتحان می‌گویم هر کدام از شما می‌توانید در یک سؤال از من کمک بگیرید و هر کسی که نیاز به من نداشت و خودش پاسخ‌ها را نوشت ۲۵٪ به نمره او اضافه می‌شود. البته مستقیماً پاسخ سؤالات را نمی‌گویم فقط راهنمایی می‌کنم به نحوی که دچار سردرگمی در حل مسئله نشوند.»

آقای محمدی دبیر ادبیات اضافه

کرد: «۷ سال پیش، در یکی از مدارس تیزهوشان، در نیمه سال ابلاغ گرفتم. مدرسه‌ای بود که مدیرش خیلی امتحان‌محور بود. من هم در تست کار کردن بسیار ضعیف بودم. تنها راه‌حلی که به ذهنم رسید این بود که به دانش‌آموزان گفتم هر جلسه امتحان داریم اما نه امتحان از پاسخ‌ها. مسابقه طرح سؤال داریم. هر کس سؤالی را طراحی کند که بقیه نتوانند آن را حل کنند بهترین نمره را کسب می‌کند. دانش‌آموزان برای طراحی سؤال این‌قدر کتاب‌ها را زیرورو کرده بودند که کاملاً مسلط شده بودند و اتفاقاً در آزمون تستی هم خیلی عالی نمره گرفتند. بنابراین گاهی وقت‌ها واقعا باید قالب‌ها را شکست تا بتوان به افق‌های جدید رسید.»

ارزشیابی در خدمت یادگیری

آقای کامیاب، کارشناس پژوهش می‌گوید: «اجازه دهید من به آزمون‌های بین‌المللی پرلز و تیمز اشاره کنم که نتایج آن نشان می‌دهد برنامه‌های آموزش علوم در ایران نتوانسته است روحیه علمی، کاوشگری، آفرینندگی و خلاقیت را در دانش‌آموزان ایرانی پرورش دهد. دیگر اینکه دانش‌آموز ایرانی آن‌قدر که در سطح سؤالات به‌خاطر سپردنی و فهمیدنی به اهداف مورد نظر دست پیدا می‌کند در مهارت‌هایی مثل ساختن نظریه‌ها، تجزیه و تحلیل داده‌ها، حل مسئله و به کارگیری ابزار تحقیق و روش‌های علمی و تحقیقی

موفق نیستند. تقلب معمولاً در پی بحث ارزشیابی می‌آید. وقتی به هدف ارزشیابی نگاه می‌کنیم ارزشیابی در خدمت یادگیری است اما آن‌قدر که به نتایج ارزشیابی توجه می‌کنیم ارزشیابی در خدمت یادگیری است اما آن‌قدر که به نتایج ارزشیابی توجه می‌کنیم به فرآیند توجه نداریم.

آقای کامیاب ادامه داد: «محتوای آموزشی و کتاب درسی از دیگر مؤلفه‌هایی هستند که باید در بحث تقلب مورد توجه قرار گیرد. واقعا محتوای کتاب آموزشی ما اهداف آموزشی را متناسب با قضیه از نظر زمانی و هدف‌ها به اندازه کافی پوشش می‌دهد؟ آیا سیستم متمرکزی که در کشور ما وجود دارد تا چه اندازه به انگیزه‌های درونی دانش‌آموز برای یادگیری توجه می‌کند؟ متأسفانه آنچه سند تحول بنیادین از سیستم آموزش و پرورش ما انتظار دارد کاملاً متفاوت است با آنچه در عمل اتفاق می‌افتد، زیرا نه نیروی انسانی ما برای این قضیه تربیت شده است و نه ساختار مناسب برای آن وجود دارد.»

جلسه آن‌قدر گرم و صمیمی شده بود که همه دوست داشتند هم‌چنان ادامه دهند اما زمان به پایان رسیده بود و باید خداحافظی می‌کردیم.

کامیاب:
تقلب معمولاً
در پی بحث
ارزشیابی
می‌آید. وقتی
به هدف
ارزشیابی
نگاه می‌کنیم
ارزشیابی
در خدمت
یادگیری است
اما آن‌قدر
که به نتایج
ارزشیابی
توجه می‌کنیم
به فرآیند
توجه نداریم